



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۵ مهر ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس (الثاني: المعدن)

مصادف با: ۲ ذی الحجه ۱۴۳۵

موضوع جزئی: تعریف معدن (جمع بندی)

جلسه: ۸

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

### خلاصه جلسه گذشته:

تا اینجا مشخص شد از نظر امام (ره) و مرحوم سید ملاک تشخیص معدنیت، عرف است؛ هر چیزی که عرفاً صدق معدن بر آن بشود متعلق خمس است. بر خلاف محقق خوئی که ایشان ضابطه تعلق خمس را صدق عرفی یا تعبد شرعی قرار داد. ما عرض کردیم حق با مرحوم سید و امام (ره) است و سخن محقق خوئی تمام نیست.

### فرق نظر امام (ره) و سید در خصوص بعضی مصادیق

امام (ره) در متن تحریر در مورد بعضی از مصادیق مثل جصّ، مغرة، طین الغسل، طین ارمنی احتیاط واجب کرده‌اند که خمس در این موارد بنا به احتیاط واجب باید پرداخت بشود «بل و الجصّ و المغرة و طین الغسل و الارمنی علی الاحوط» اما مرحوم سید در رابطه با این موارد احتیاط مستحبی فرمودند: «بل و الجصّ و النورة، و طین الغسل، و حجر الرحی، و المغرة و هی طین الاحمر علی الاحوط و إن كان الاقوی عدم الخمس فیها من حیث المعدنیة بل هی داخله فی ارباح المكاسب فیعتبر فیها الزیادة عن مؤونة السنة» مرحوم سید در مورد گچ و آهک و گل سر شور و سنگ آسیاب و خاک سرخ فرموده است علی الاحوط خمس آن باید داده شود و بعد به دنبال آن فرمود اگرچه اقوی آن است که از حیث معدنیت خمس آن لازم نیست.

با توجه به این عبارت و تعبیر «إن كان الاقوی» معلوم می‌شود «الاحوط» احتیاط مستحبی است لکن باید دقت کرد ایشان می‌فرماید از حیث معدن بودن احتیاط مستحب پرداخت خمس است و گرنه به عنوان ربح مکاسب اگر فائده‌ای از معدن نصیب بشود ولو قلیل باشد، خمس آن واجب است آنچه ما اینجا بحث می‌کنیم لزوم خمس از حیث معدنیت است؛ امام می‌فرماید احتیاط واجب این است که خمس آن مثلاً گچ که از زمین استحصال می‌شود، به عنوان معدنیت داده بشود. وقتی می‌گوییم به عنوان معدنیت یعنی باید به حد نصابی برسد تا خمس آن واجب بشود و در آن زیاده از مؤونة سنة معتبر نیست و خمس آن فوری واجب می‌شود بر خلاف ربح مکاسب که بعد از اخراج مؤونة سنة از آن خمس واجب می‌شود.

پس طبق نظر امام (ره) احتیاط واجب لزوم خمس است به عنوان معدنیت اما مرحوم سید می‌فرماید احتیاط مستحب آن است که به عنوان معدنیت خمس داده شود یعنی مستحب آن است که کسی که از معدن منفعتی نصیب می‌شود دیگر قبل از کسر مؤونة سنة خمسش را بدهد و لازم نیست نصاب را رعایت کند و لو کمتر از نصاب باشد. بله آنچه لازم است این است که به عنوان فائده و ربح مکاسب باید به هر حال خمس آن را پردازد (بعد از کسر مؤونة و بعد النصاب).

مرحوم حکیم و امام (ره) در حاشیه بر عروة به مرحوم سید اشکال کرده‌اند؛ ذیل این تعبیر «و إن کان الاقوی» مرحوم حکیم تعلیقه زده که «لا یخلو من شبهة» امام (ره) هم مرقوم فرموده: «فی القوة منع» یعنی جایی برای احتیاط مستحبی نیست و به طور خلاصه با این احتیاط مستحبی سید مخالفت کردند.

حال چرا در اینجا احتیاط واجب شده است؟ ظاهر این است که در صدق عرفی معدن بر اینها شبهه‌ای دارند؛ چون مدار را بر صدق عرفی معدن گذاشتند (مرحوم سید هم مدار را بر صدق عرفی گذاشته بود لذا اشکال به ایشان بیشتر است به اینکه اگر مدار بر صدق عرفی است این موارد عرفاً معدن محسوب می‌شوند) ایشان به چه دلیل در این موارد احتیاط مستحبی کرده‌اند؟ اگر ما مدار را بر صدق عرفی گذاشتیم و معنای معدن را یک معنای عام دانستیم همه اینها از مصادیق معدن می‌شود پس در مورد گچ، آهک، سنگ آسیاب که دارای خصوصیتی هستند. طبق تعریفی که ما ارائه دادیم همه از نظر عرف و فقها و اهل لغت، معدن محسوب می‌شوند.

با ملاحظه تعریف معدن و با ملاحظه صدق عرفی معدن بر اکثر این موارد به نظر می‌رسد وجهی برای احتیاط وجوبی هم نیست مگر اینکه کسی ادعا کند ما در صدق عرفی اینها تردید داریم. یا بگویند این موارد در روایات ذکر شده یعنی ممکن است وجه احتیاط وجوبی این باشد که به نظر امام (ره) اینها عرفاً معدن محسوب نمی‌شوند ولی چون در ادله آمده پس خمس آن واجب شده لکن در ادله هم به خصوص این موارد ذکر نشده است و اگر هم ذکر شده باشد این همان سخن محقق خوئی است که تعبد شرعی پیدا می‌شود در هر صورت به نظر ما در این موارد هم مثل آنچه که قبل از این در تحریر ذکر شده، احتیاط لازم نیست و می‌توان فتوا به وجوب خمس داد به عنوان معدنیت.

### حکم مشکوک المعدنیه

عبارت تحریر این است: «و ما شکّ أنه منه لا یجب فیہ الخمس من هذه الجهة» اگر در موردی شک کنیم که آیا از مصادیق معدن هست یا خیر، خمس آن از حیث معدنیت واجب نیست؛ اگر موردی مشکوک بود که آیا این عرفاً معدن محسوب می‌شود یا نه، خمس آن از حیث معدنیت واجب نیست. و این یعنی یدخل فی ارباح المكاسب همان گونه که مرحوم سید در عروة این عبارت را آورده‌اند: «و إذا شکّ فی الصدق لم یلحقه حکمها و لا یجب خمسه من هذه الحیثیة بل یدخل فی ارباح المكاسب و یجب خمسه إذا زادت عن مؤونة السنة من غیر اعتبار بلوغ النصاب فیہ» اگر چیزی مشکوک الصدق بود و از نظر عرف معلوم نبود این معدن هست یا نیست داخل در ارباح مکاسب می‌شود که خمس آن دیگر منوط به گذشت سنه و کسر مؤونة سنه نیست و نصاب هم در آن معتبر نیست.

حال سؤال این است: چرا اگر مشکوک الصدق بود (در موردی شک کردیم که آیا معدن محسوب می‌شود یا نه) خمس آن از حیث معدنیت واجب نیست؟ مستند این فتوا چیست؟ به عبارت دیگر دلیل عدم وجوب خمس در چیزهایی که شک داریم معدن محسوب می‌شوند یا نمی‌شوند، چیست؟

**وجه اول:** این از موارد شبهه مفهومیه مخصص است که امر آن دائر بین اقل و اکثر است.

مثال: این بحث را سابقاً در مباحث اصولی خوانده‌اید؛ اگر دلیل عامی مثل «اکرم العلماء» وارد شد و از این عام مثلاً فساق خارج شدند و ما در موردی شک کردیم که آیا این زید مصداق فاسق هست یا نیست چون شک در سعه و ضیق مفهوم

فسق داریم. و لذا نمی‌دانیم زید واجب الاکرام هست یا نیست؟ اینجا بر قدر متیقن اکتفا شده و در مورد فرد مشکوک به عام رجوع می‌شود. به طور کلی در موارد مخصص منفصل چنانچه امر دائر بین اقل و اکثر باشد، وظیفه آن است که به قدر متیقن یعنی اقل اکتفا کنیم و بگوییم اکثر از دائره عام خارج نشده. وقتی ما شک داریم که فسق یعنی خصوص مرتکب کبیره یا اعم از مرتکب کبیره و صغیره؛ این موجب می‌شود در وجوب اکرام زید شک کنیم چون مثلاً می‌دانیم او مرتکب صغیره است. اگر قرار باشد به قدر متیقن اخذ کنیم باید گفت آنچه که از دائره اکرام العلماء خارج شده خصوص مرتکب کبیره است و نسبت به مازاد چون تردید داریم به متیقن که مرتکب کبیره باشد اخذ می‌کنیم.

در اینجا هم ما یک عام داریم و یک خاص؛ عام در اینجا مثلاً این است «کل ما افاد الناس من قليل أو كثير ففيه الخمس بعد المؤونة» هر فائده‌ای که نصیب مردم بشود خمس آن بعد از مؤونة واجب است. از این عام بعضی از امور خارج شدند مثل غنائم دار الحرب و معادن یعنی در مورد معادن دیگر خمس بعد از مؤونة نیست بلکه قبل از مؤونة است پس ما یک عام داریم و یک خاص منفصل داریم مثلاً به دلیل منفصل این چنین گفته شده: «الخمس واجب في المعدن قبل المؤونة» لذا معدن از دائره عموم این عام خارج شده؛ حال در یک مواردی ما یقین داریم که صدق عنوان معدن بر آن می‌شود و بعداً من المعدن. در خروج این موارد قطعی از این عام تردیدی نیست و قطعاً دلیل عام شاملش نمی‌شود. مواردی هم قطعاً می‌دانیم که صدق عنوان معدن بر آن نمی‌شود مانند تپه‌های رملی که در کویر وجود دارد که هیچ کس معدن بر آن اطلاق نمی‌کند. لذا اگر کسی مثلاً یک روز شروع به استفاده از این تپه‌های رملی کرد تحت عام خواهد بود نه اینکه جزء مصادیق معدن باشد لذا به عنوان ارباب مکاسب خمس در آن واجب است.

پس مواردی قطعاً داخل در عموم عام می‌باشند و مواردی هم قطعاً داخل در خاص می‌باشند؛ حال اگر در موردی شک کردیم که آیا بعداً من المعدن چه باید کرد؟ گفتیم چون مورد از موارد شبهه مفهومیه مخصص منفصل است که امر آن دائر بین اقل و اکثر است، باید به قدر متیقن یعنی اقل اخذ کرد یعنی بگوییم آنچه از این دلیل عام خارج شده، معدن است مثل رصاص، مس، روی و آن مواردی که یخلق فی الارض و ذا قيمة، همان تعریفی که از معدن شده و بر اینها صادق است. اما آیا معنای معدن وسیعتر است و شامل چیزهایی مثل لجن خاصی که برای تداوی استفاده می‌شود، هم هست یا نه، اینجا در سعه معنا و مفهوم معدن تردید داریم. در این موارد وظیفه چیست؟ وظیفه اخذ به قدر متیقن از معنای معدن است یعنی شامل این موارد نمی‌شود و لذا این گونه موارد تحت عام باقی هستند «کل ما افاد الناس من قليل أو كثير ففيه الخمس بعد المؤونة» که نتیجه این است که خمس در این مشکوک به عنوان معدنیت ثابت نیست. پس چون مورد از موارد دروان بین اقل و اکثر در مخصص منفصل است وظیفه ما اخذ به قدر متیقن است یعنی اینجا به عموم عام رجوع می‌کنیم و دلیل عام این فرد مشکوک را در بر می‌گیرد.

لذا این موارد از موارد شبهه مفهومیه خاص در دروان بین اقل و اکثر و مخصص منفصل است (یکی از چهار قسم موارد شبهه) در این موارد رجوع به عموم عام می‌شود؛ خاص فقط به اندازه قدر متیقن خارج می‌شود لذا در این مثال نتیجه آن است که خمس به عنوان معدنیت واجب نیست بلکه به عنوان مطلق فائده مشمول دلیل عام می‌شود که نه مؤونة سنة و نه نصاب در آن معتبر نیست.

پس یک دلیل برای عدم وجوب خمس به عنوان معدنیت در موارد مشکوک همین قاعده اصولی است که عرض کردیم که در این موارد یعنی شبهه مفهومیه مخصص منفصل که امر آن دائر بین اقل و اکثر است به عموم عام تمسک می‌شود و فقط قدر متیقن خاص و اقل از دائره عموم خارج می‌شود.

**وجه دوم:** وجه دیگری را هم می‌توان گفت و آن هم اصل است؛ یعنی ما در جایی که شک کنیم مقتضای اصل عملی هم عدم وجوب خمس است. ما شک می‌کنیم در این مورد، خمس به عنوان معدنیت واجب است یا نه، اصل برائت اقتضاء می‌کند خمس به عنوان معدنیت واجب نباشد.

ما تا اینجا از عبارت تحریر تعریف معدن را گفتیم و مصادیق و مثال‌هایی هم برای آن گفته شد ذکر کردیم. هم چنین معلوم شد مرجع عرف است. لکن امام در بعضی موارد احتیاط وجوبی کرده بودند که آن را بیان کردیم و تکلیف موارد مشکوک هم معلوم شد.

**بحث جلسه آینده:** از اینجا امام (ره) وارد شرط وجوب خمس در معادن می‌شوند. مهمترین شرط آن مسئله نصاب است؛ تا اینجا معلوم شد خمس معدن واجب است اما آیا وجوب خمس مطلق است یا منوط به رسیدن به یک حد و نصاب خاص است. امام (ره) می‌فرماید: «و يعتبر فيه بعد إخراج مؤونة الاخراج و التصفية بلوغه عشرين ديناراً أو مائتي درهم عیناً أو قيمة علی الاحوط» اگر کسی معدنی را استخراج می‌کند امام می‌فرماید هزینه‌های استخراج و هزینه‌های تصفیه را کسر کند و سپس آنچه باقی می‌ماند اگر به اندازه بیست دینار یا دویست درهم باشد خمس آن واجب است و الا اگر به مقدار نرسد خمس آن واجب نیست. این مطلب را إن شاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»